



۹۱۲۵۰

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی  
پشتی تشریحات

PIR	شماره ثبت
۵۱۸	شماره مدرک
۸۶۹,۴	شماره رکورد

دانشگاه پیام نور  
دانشکده زبان و ادبیات فارسی  
گروه ادبیات و علوم انسانی

عنوان:

کتابشناسی موضوعی رمان فارسی از ۱۳۷۰ تا

شهریور ۱۳۸۴

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته زبان و ادبیات فارسی

به کوشش:

اعظم براتی احمد آبادی

استاد راهنما

دکتر علی زمانی

استاد مشاور

دکتر غلامحسین شریفی

اسفند ماه ۱۳۸۴

۹۸۲۵۰

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۱۳

## تقدیر نامه

با سپاس فراوان از زحمات اساتیدی  
که در طی دوران تحصیل از ابتدا تا  
این زمان مسئولیت تربیت این حقیر را  
بر عهده داشتند.

انجام این پژوهش مرهون حضور پر  
برکت اساتید گرانقدر و دلسوز، جناب  
آقای دکتر زمانی و جناب آقای دکتر  
شریفی است. سایه ایشان بر سر دانش  
پژوهان مستدام باد...

فهرست مطالب

مطالب	صفحه
سرآغاز.....	یک
فصل (۱):	
تعریف رمان.....	دو
انواع رمان.....	سه
تفاوت رمان وداستان کوتاه.....	هفت
تفاوت رمان ورومانس.....	هشت
پیدایش رمان.....	نه
ترجمه رمان در ایران.....	ده
درونمایه رمان در دهه ۱۳۷۰.....	چهارده
یادداشتها.....	بیست و پنج
فصل (۲):	
تحلیل نموداری رمانها.....	بیست و هفت
فصل (۳)	
معرفی اجمالی رمانها بر اساس سال انتشار.....	۱
فهرست الفبایی مؤلف.....	۲۲۳
فهرست الفبایی عنوان.....	۲۶۵
فهرست الفبایی انتشارات.....	۳۰۷

نام خانوادگی دانشجو: براتی احمد آبادی نام: اعظم

عنوان پایان نامه: کتابشناسی موضوعی رمان فارسی از ۱۳۷۰ تا شهریور ماه ۱۳۸۴

استاد راهنما: دکتر علی زمانی

استاد مشاور: دکتر غلامحسین شریفی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: محض

دانشگاه: پیام نور مرکز اصفهان دانشکده: ادبیات

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۴ / ۱ تعداد صفحات صفحه

کلید واژه ها:

رمان، داستان کوتاه، رمانس، کتابشناسی، جنگ، پاورقی نویسی و...

## چکیده:

در سالهای دهه ۷۰ تا شهریورماه ۸۴ به دلیل اوضاع نابسامان مادی رمان نویسی بر خلاف سالهای دهه ۶۰ رو به ضعف و افول می نهد و نوعی یأس و دلمردگی در میان نویسندگان توانای سالهای پیشین مشاهده می شود به طوری که از میان آثار منتشر شده در این سالها حجم عمده ای از آنها را پاورقیها تشکیل می دهد و تعداد آثار قابل تأمل زیاد نیست. تلاش معاش، بعضی سانسورها و کمبود اوقات فراغت لازم برای آفرینش آثار هنری و از همه مهمتر ناامیدی در چاپ و انتشار آثار باعث شده است که از تعداد رمان های متعالی دوران گذشته کاسته شود. بیشتر مضامین و درونمایه های آثار داستانی در این سالها همان مضامین قبلی است (جنگ، انقلاب، زندگینامه و ...)، تنها تحول جدید که در رمان های نوشته شده می توان به آن اشاره کرد ظهور و رواج پاورقی های پلیسی و عاشقانه است، که عمدتاً توسط زنان نوشته شده است و با اقبال بسیار زیادی از سوی خوانندگان رو به رو شده است. این رمانها عاملی برای رقابت ناشران سودجو و بی توجهی به رمان های ارزشمند شده است.

در این پژوهش ۱۴۲ رمان مورد بررسی قرار داده شده است که از این تعداد ۵۳۷ مورد آن را زنان و ۶۰۵ مورد آن را مردان نوشته اند. مردان نویسنده بیشتر به موضوعات سیاسی، جنگ و مسائل روز توجه داشته اند ولی زنان بیشتر به موضوعات عاشقانه و زندگینامه پرداختند. حوادث اجتماعی و مسائل قومی هم موضوع مشترک در بین دو گروه است.

این پژوهش با هدف بررسی درونمایه رمانهای نوشته شده در طی سالهای ۱۳۷۰ تا شهریور ماه ۱۳۸۴ انجام شده است و در ابتدا کوشش بر این است تا مباحث و مضامین اصلی رمانها را در طی این سالها روشن و با درج شواهدی از آثار گوناگون ساخت های اجتماعی، سیاسی و خانوادگی رمانها را مشخص کند. بدیهی است حوادث تاریخی و سیاسی معاصر نقش موثری در درونمایه و ساخت رمان های این دوران داشته است و بر دیدگاه و شیوه نویسندگان تاثیری غیر قابل انکار گذاشته است به طوری که درونمایه بیشتر این رمانها الهام گرفته از حوادث جاری جامعه است.

از آنجا که آشنایی بانویسندگان معاصر و ساخت و یافت درونمایه رمانهایی تواند راه را برای نویسندگان نوپا و جوان امروزی فراهم سازد گردآوری رمانها و توجه به نویسندگان تازه کار از ارزش ویژه ای برخوردار است و زمینه های پیشرفت جامعه را در این زمینه فراهم و راه را برای محققان فراهم می سازد.

باشد که این خدمت ناچیز در پیشگاه حضرت خداوندی و ارباب فن مقبول افتاده و بر سهو و خطایم ببخشایند که دراز است ره مقصد و من نوسفرم.

# فصل اول



## تعریف رمان

در ابتدای مبحث تعریف رمان، نکته ای که ذکر آن ضروری به نظر می رسد این است که وسعت تعاریف و توصیف های متفاوت در زمینه رمان، به قدری است که نمی توان با گزینش تعریفی خاص، تنها بر آن تاکید نمود. با این همه سعی ما بر این است که از میان تعاریف موجود، آنچه که به نظر جامع تر و صحیح تر می آید را انتخاب کرده، درباره آن ها بحث کنیم. گلدمن رمان را چنین تعریف می کند: ((به نظر ما فرم رمان، در واقع برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی است. برگردان زندگی روزمره در جامعه فرد گرایی که زاده تولید برای بازار است.)) [۱] در این تعریف به نظر می رسد گلدمن تنها به بعد جامعه شناسانه رمان توجه کرده است.

در تعریف دیگر، رمان همچون سینما تصور می شود که با بیان واقعیت های روزمره، مخاطب را به سوی خود جذب می کند. ((رمان مانند سینما شیوه ای روایتی است که به فرآیندهای روانی قراردادی و شیوه های رفتاری ما به دقت پاسخ می دهد یا با آنها ارتباط برقرار می کند.)) [۲]

تعریفی دیگر از رمان می گوید: ((رمان ها اغلب مثل زندگی اند. رمان زندگی را ابداع و خلق می کند و بعد جزئیات هر آنچه را که ابداع کرده است، تحت کنترل در می آورد، آماده می کند و از آنها سود می برد. این ابداع از طریق زبان انجام می گیرد. عنصر برجسته واقعیت و واقع گرایی جزو بخش مهمی از تعریف رمان است.)) [۳]

این تعریف با تاکید بر واقعیت، رمان را زندگی می خواند. به گفته جمال زاده: ((رمان مدرسه ای است برای کسانی که فرصت رفتن به مدرسه را ندارند. آینه تمام نمای اخلاق و سجایای هر ملتی است و آنها را از حال و جزئیات زندگی یکدیگر آگاه می سازد. علاوه بر این به تکامل و پیشرفت زبان یک ملت کمک می کند.)) [۴]

جمال زاده در تعبیری زیبا، رمان را به مدرسه ای تشبیه کرده است که معرفی کننده دوران مختلف یک ملت است و با بررسی رمان از نظر ساختارهای متفاوت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی می توان به ویژگی های زندگی مردم هر جامعه پی برد.

با توجه به تعاریف اخیر، در یک جمع بندی نهایی می توان رمان را اینگونه تعریف کرد: رمان، روایت مثبور نسبتاً "بلند و پیچیده ای است که با تراوش تخیل نویسنده و خلق شخصیت های اصلی و فرعی در آن، گوشه ای از زندگی بشر را در برهه ای از زمان به تصویر می کشد.

ساختار درونی رمان، تا حد زیادی با واقعیتی که در آن پدید می آید در ارتباط می باشد. بیشتر رمان ها، جامعه ای را می آفرینند که بسیار واقعی است. این جامعه واقعی که دنیای رمان را می سازد، متعلق به مکانی خاص با تاریخ و گذشته ای مشخص است.

((شرط آفرینش ادبی راستین، این است که واقعیتی که انسان آن را زیسته است، به رغم معنایی که تابع ذهنیت نویسنده است، در مقام ساختار معنادار و منسجم و عینی، همواره و به تمامی حضور داشته باشد.)) [۵] باید توجه داشت که هر گاه اثر هنری، بیانگر سطح بالایی از آگاهی اجتماعی و شرایط اجتماعی حقیقی یک دوره خاص باشد، به ویژگی مردمی بودن دست می یابد. در ضمن بین اثر ادبی و اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی همخوانی برقرار است. هر چه این رابطه محکم تر باشد، اعتبار هنری اثر بیشتری است. ((آثار هنری در مرحله نخست، ساخت ذهن نویسنده نیست، بلکه ساخت ذهن کلی اجتماع است؛ یعنی ارزش ها و آمالی که در اجتماع وجود دارند. منتقد باید دریابد که چگونه اندیشه و نگرش طبقه اجتماعی یا گروه خاصی، تبدیل به اندیشه و احساس فردی (نویسنده) شده است.)) [۶]

رمان باید با هدف بازنمایی دوره ای از زندگی اجتماعی یک ملت، نگاشته شود و ما را با واقعیت موجود در آن زمان خاص آشنا سازد. همچنین نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که ((رمان الزاما" باید دو کار را انجام دهد؛ یکی این که به کشف و شناخت جهان خارج از خود نایل آید و دیگر به اکتشافی در خود دست زند. یعنی به کشف زبان، ساختمان و شکلش پردازد. رمان به تجربیاتی می پردازد که منحصر به فرد و غنی است و در شرایط محیطی پیچیده ای انجام می گیرد. علاوه بر این جزئیات رمان، از دل حوادث و لحظات زاده می شود.)) [۷]

تنها آن دسته از آثار هنری که به نحوی گسترده و ژرف با سیر تحول نوع بشر انطباق دارند، ماندگار می مانند و رمان پیش از آن که حاصل تخیل باشد، انعکاس واقعیت است. لذا باید دانست که ((انطباق رمان با واقعیت، غایت پیچیدگی است و واقع گرایی اش جز جنبه خاصی از این واقعیت نیست، جنبه ای که به ما امکان می دهد به عنوان نوع ادبی مجزایش کنیم. رابطه عام واقعیتی که رمان توصیف می کند با واقعیتی که احاطه مان می کند، همان رابطه ای است که مضمون یا موضوع را معین می کند.)) [۸]

انواع رمان از لحاظ زمینه و محتوا [۹]

#### ۱- رمان پیکارسک

رمانی است که غالبا" زندگی طبقه متوسط و بورژوا را با لحنی آمیخته به هجو و طنز و مطایبه تصویر می کند و اغلب شرح زندگی آدم خانه به دوش و بی سروپا و ماجراجویی است از

طبقه تهیدست که با درپوزگی و مسخرگی و کلاهبرداری امرار معاش می کند و از کار جدی و پرزحمت سرباز می زند. داستان بلن علویه خانم از صادق هدایت نمونه ای از این نوع داستانهاست.

## ۲- رمان گوتیک

رمانی است که در آن سحر و جادوگری، رمز و معما، هراس و وحشت به هم آمیخته باشد. رمان گوتیک از اشباح افسونگر و جادوگران شیطان صفت و مهممه های گنگ و دلهره آور لبالب است. قصرهایی که در آن استخوان مردگان روی هم انباشته شده و مخروبه های قدیمی با فضا و رنگ وهم انگیز، مکان سنتی این نوع داستانهاست. این نوع رمان نمونه ای در فارسی ندارد.

## ۳- رمان تاریخی:

رمانی است که در آن اشخاص برجسته و تاریخی در سلسله حوادث و نهضت یا روح و معنویت عصر گذشته ای بازسازی شود و غالباً در رمان های تاریخی عصر یا دوره ای تصویر می شود که در آن دو عامل فرهنگی با هم در کشمکش اند و فرهنگی در حال مردن و فرهنگی در حال زادن است.

از نمونه های رمان تاریخی فارسی می توان «شمس و طغرا» از محمد باقر میرزا خسروی و «آشیانه عقاب» از زین العابدین موتمن را نام برد.

## ۴- رمان رسالتی:

رمانی است که در آن از مساله ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی صحبت کند و خصلتی و منظوری اصلاح طلبانه داشته باشد. بعضی از شاهکارهای رمان نویسی جهان از نوع رمان رسالتی است. می توان رمان های «دختر رعیت» به آذین و «چشم هایش» بزرگ علوی را جزو رمان های رسالتی به شمار آورد. رمان های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و تبلیغی از انواع رمان رسالتی است.

## ۵- رمان روانی یا روانشناختی:

رمانی است که در آن توجه بسیاری به حالت ها و عواطف پیچیده ذهنی و ویژگی های درونی شخصیت های داستان بشود. از این رو محتوای رمانها بیشتر به تشریح چرایی ها و علت های اعمال و کنش ها و و اکنش ها می پردازد و به زندگی عاطفی شخصیت های رمان بیشتر از

معمول اهمیت می دهد. از معروف ترین نویسندگانی که به داستانهای روانی توجه بسیار داشتند مارسل پروست فرانسوی و هنری جیمز آمریکایی است.

#### ۶- رمان رشد و کمال:

رمانی است که در آن معمولاً "تحول و شکل گیری شخصیت جوان اصلی داستان از کودکی تا بلوغ فکری تصویر می شود. در آن شخصیت داستان از وابستگی خود با دنیای خارج از دنیای درونی خودش آگاهی می یابد و سعی می کند خصلت و ذات جهان بیرون را بشناسد و معنا و محتوایی برای آن جستجو کند و فلسفه زندگی کردن را فرا گیرد. این نوع رمان نمونه ای در فارسی ندارد.

#### ۷- رمان حادثه ای:

رمانی است که در آن کمابیش داستان بر محور حوادث گسسته و ناپیوسته می گردد و پیرنگ و شخصیت یا شخصیت های داستان تابع حوادث داستان است. در ایران از ویژگی های رمان حادثه ای برای داستان های پاورقی روزنامه ها و مجله ها سوء استفاده شده است و نویسندگانی چون حسینعلی مستعان و جواد فاضل و... در نوشتن این رمانها کار کشته هستند.

#### ۸- رمان های پلیسی و جنایی:

رمانی است که در آن جرمی، روی داده باشد و به وسیله کارآگاهی با فرض های منطقی و تفسیرها و تعبیرهای معقول، مرتکب و گناهکار شناخته شود. اغلب این نوع رمان ها توجهی به واقعیت زندگی ندارند و از نظر هنری قابل توجه نیستند و ارزش آنها به مراتب از رمان های دیگر کم تر است و هدفی جز سرگرم کردن خواننده برای خود نمی شناسند. در ایران رمان های پلیسی بازاری و مبتذل بسیاری در پاورقی روزنامه ها و مجله ها نوشته شده است که ارزش چندانی برخوردار نیستند. از میان رمان های پلیسی و جنایی خوبی که نوشته شده است می توان به رمان «شراب خام» نوشته اسماعیل فصیح اشاره کرد.

#### ۹- رمان علمی:

رمانی است که به رمان حادثه ای و خیالی و وهمی شبیه است. جز این که در این رمان ها سعی می شود که ماجراها و حوادث داستان جنبه علمی داشته باشد و از نظر علمی موجه جلوه داده شود. این نوع رمان نمونه ای در فارسی ندارد.

## ۱۰- رمان تمثیلی:

رمانی است که در آن درونمایه و خصلت و شخصیت، جانشین مفاهیم دیگر هستند و از این لحاظ این نوع رمان دو بعد دارد. بعدی که مورد نظر نویسنده است و بعدی که در آن درونمایه و خصلت و شخصیت و... مجسم می شود. مثل «بوف کور» نوشته هدایت که از مصالح و رویدادهای به ظاهر واقعی برای بیان اغراض فلسفی و عرفانی و اجتماعی استفاده شده است و در کل جنبه تمثیلی دارد.

## ۱۱- رمان نمادین:

رمانی است که در آن مفاهیم اخلاقی یا کیفیت های روحی و روشنفکرانه به قالب عمل در می آید به تعبیری دیگر رمانی می تواند نمادین باشد که در آن مفهومی یا عقیده ای نماد چیز دیگری قرار گیرد. در قصه های گذشته فارسی، تمثیل و نماد مورد استفاده بسیاری از عارفان بوده است. مثلاً "قصه های «عقل سرخ» و «آواز پر جبرئیل» از شهاب الدین سهروردی صیغه ای نمادین و تمثیلی دارد.

## ۱۲- رمان ناحیه ای:

رمانی است که به کیفیت و مختصات جغرافیایی بومی و ناحیه ای وفادار بماند و بر محیط و قلمرو خاصی تمرکز یابد. در رمان ناحیه ای، قلمرو مردمانی که در آن زندگی می کنند به عنوان پایه و شالوده داستان به کار گرفته شده است. از میان نویسندگان ایرانی، صادق چوبک و محمود دولت آبادی بیشتر از سایر نویسندگان به این نوع رمان توجه داشته اند. از جمله آن «تنگسیر» نوشته چوبک و «کلیدر» اثر محمود دولت آبادی است.

## ۱۳- رمان محلی:

که مشابه رمان ناحیه ای است جز این که توصیفات و مختصات محلی و بومی در این رمان ها صوری و ظاهری است و جنبه تزئینی و آرایشی دارد و پایه و اساس رمان را تشکیل نمی دهد بلکه به عنوان سندیت و صحت داستان به کار گرفته شده است. اغلب داستان های کوتاه احمد محمود و امین فقیری از نوع داستان های کوتاه محلی به حساب می آید.

## ۱۴- رمان رودخانه ای

این رمان به مجموعه رمان‌هایی گفته می‌شود که هر کدام از رمان‌ها فی‌نفسه رمان مستقلی به حساب می‌آید و در عین حال به نحوی با رمان‌های دیگر پیوستگی دارد و همه یا بعضی از شخصیت‌ها در رمان‌ها تکرار می‌شوند. مانند آثار اسماعیل فصیح که یک شخصیت در آنها تکرار می‌شود.

#### ۱۵- رمان اعترافی

این رمان شبیه ترجمهٔ احوال و زندگینامه است و به شیوهٔ اول شخص هم روایت می‌شود. برای نمونه می‌توان از "حرف و سکوت" اثر محمود کیانوش نام برد.

#### ۱۶- رمان کلیددار

رمانی است که شخصیت‌های آن از روی الگوی اشخاص معروف و واقعی بریده می‌شود و این اشخاص با نام‌های داستانی یا استعاره‌ای در رمان معرفی می‌شوند. ویژگی‌ها و خلیات شخصیت‌های داستان همچون کلیدی خواننده را به اشخاص اصلی راهنمایی می‌کند. برای نمونه می‌توان به رمان ثریا در اغما نوشته اسماعیل فصیح اشاره کرد.

#### ۱۷- رمان احساساتی:

رمانی است که درنمایش احساسات و هیجانات عاطفی شخصیت‌ها غلو می‌کند و در آن شخصیت‌ها عواطف شدیدی نسبت به حوادث پیرامون خود نشان می‌دهند و این عواطف دلیلی بر خوبی و مهربانی شخصیت‌ها قلمداد می‌شود. از این نمونه رمان «هما» نوشته محمد حجازی است.

#### ۱۸- رمان رماتیک:

به رمانی گفته می‌شود که توجه زیادی به اعمال قهرمانی و حوادث غیر واقعی و خیالی داشته باشد. اغلب این اعمال و حوادث برای رسیدن به وصال معشوق و فداکاری و ایشار در راه عشق و عاشقی است. از این نمونه رمان «پریچهر» اثر محمد حجازی است.

#### تفاوت رمان و داستان کوتاه:

((داستان کوتاه فارسی نوعی ادبی است که ما آن را از غرب گرفتیم و مدت زمانی در حدود یک صد سال یا اندکی بیشتر در ایران سابقه دارد. توجه ایرانیان به داستان کوتاه با اینکه پیش

از آن با رمان آشنا شده بودند دور از ذهن نیست. ظهور رمان در اوایل چندان با سوابق ادبی ما سازگار نبود با اینکه رمانس هایی در ادبیات گذشته ما مانند داراب نامه، اسکندرنامه و سمک عیار وجود داشت اما غلبه شعر آنها را به حاشیه رانده بود. از طرفی این آثار حاصل قلم نویسندگان مشهور نبود؛ اما داستان کوتاه را به دلیل شباهت با حکایات کهن آسان تر پذیرفتند. از این رو داستانهای کوتاه محمد علی جمالزاده زودتر از رمان گونه های عبدالرحیم طالبوف و زین العابدین مراغه ای با استقبال روبه رو شد و چندی بعد به اصلی ترین نوع ادبی در ادبیات داستانی ما تبدیل شد.)) [۱۰]

آنچه در بالا آمده است در مورد چگونگی ظهور و پذیرش رمان و داستان کوتاه در بین ایرانیان است اما در مورد ساختمان و شیوه نگارش این دو باید بگوییم رمان چشم انداز وسیع تری از زندگی را در پیش روی خواننده می نهد. نشان دادن برش یا بخش کوچکی از زندگی وظیفه رمان نیست. رمان می تواند بخش اعظم یا همه زندگی اشخاص داستان را در برگیرد. رمان می تواند یک موضوع اصلی یا یک چند موضوع فرعی داشته باشد.

در داستان کوتاه نویسنده کاری را که شروع می کند و به پایان می رساند کامل است اضافه کردن چیزی به داستان یا برداشتن چیزی از آن امکان ندارد. ولی رمان قطعه ایست که دامنه آن نامحدود است در رمان ((نویسنده برای آنکه حوادث داستان خود را در نظر خواننده محتمل و قهرمان خود را موجه و قابل قبول جلوه دهد، مجبور است مقداری واقعیت را که با داستان او ارتباط دارند ولی خود به خود جالب توجه نیستند بیان کند.)) [۱۱]

### تفاوت رمان و رمانس

((قالب رمان بیشتر به مسائل واقعی و عینی جامعه می پردازد و افراد و اشخاص طبیعی را در بر می گیرد که در جامعه زندگی می کنند و اعمال و حرکات و رفتار آنها را به نمایش می گذارد اما رمانس بازتابی است از مسائل احساسی و درونیات آدمی که به شیوه ای ذهنی و خیالی به اشخاص می پردازد. اشخاص رمانس یک سر و گردن از ما بزرگترند یعنی قهرمانند. بنابراین دست نیافتنی و غیر قابل درکند.)) [۱۲] چیزی که مشخص است این است که رمانس قالبی قدیمتر از رمان است و شاید همین عامل باعث شده است که این توهم تاریخی پیش بیاید که رمانس شکلی کهنه، رشد نیافته و بازمانده ای از دوران خامی بشر است. ((رمانس گرایش به قهرمان سازی دارد، آن هم به قهرمانی نیک سرشت و از هر نظر کامل و نیز طرفدار نظام اشرافیت است و تمایل قوی و آمیخته با رویا نسبت به دوران ملوک الطوائفی و زمینداری قدیم و سنت قهرمان پرستی داشت. نکته دیگر آنکه رمان تاریخی خلاق بر اساس تخیل نویسنده است. بنابراین رمان نویس

ترجیح می دهد که مصالح رمانش را طوری انتخاب کند که به راحتی بتواند به آن شکل و قالب دهد. به همین دلیل مصالح را از زمان و دوره ای می گیرد که در آن زندگی می کند اما به خلاف آن رمانس زمان تاریخی مشخص از گذشته را انتخاب می کند و اینجاست که به این قانون کلی می رسیم که اکثر رمان های تاریخی رمانس هستند و جاذبه رمانس آن مردم را جذب خواهد کرد.)) [۱۳]

### پیدایش رمان

پیدایش رمان با ورود زندگینامه اجتماعی - سیاسی فرد به دنیای ادبیات به وقوع می پیوندد. از این جهت است که گلدمن می گوید: ((با گام نهادن راستین فرد در زندگی اجتماعی سیاسی، زندگی نامه و برداشت های زیبایی شناختی او نیز گام به دنیای ادبیات نهاده و از دیدگاه تکوینی، گونه ادبی رمان را پدید می آورد.)) [۱۴]

امامیرصادقی معتقد است: ((شکل وروال تازه ادبی که ما در رمان مجسم می بینیم، یعنی خلق داستانی منثور و طولانی با تأکیدی برواقعیت و اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هرگز گذشته طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی کند. در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رمان نیز تولد یافت. رمان مهم ترین و معروفترین شکل ادبی روزگار ماست و گفته می شود با "دن کیشوت" اثر سروانتس اسپانیولی در خلال سالهای ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۵ تولد یافته است)) [۱۵]

آنچه مشخص است این است که از اواخر قرن هفدهم جهان بینی انسانها از جهان بینی قهرمانها جدا می شود و شناخت افراد از مسائل تغییر می یابد و موضوع رمانها از تحولات تازه ادبی مایه می گیرند و برای اولین بار ویژگیهای عاطفی و روحی انسانها به ادبیات راه می یابد و رمان به مفهوم امروزی به وجود می آید.

((تکامل تاریخی رمان، دو گرایش متضاد را در برمی گیرد. رمان به دلیل پدید های تاریخی و اجتماعی، مانند یک گونه زاده و مطرح شد، اما زمانی که خود را در مقابل دیگر هنرها قرار داد، توانست موقعیت هنر را کسب کند. رمان پس از رهایی از قید و بند شکل های شعری و در آمیختن با نثر روابط اجتماعی به حدی رشد کرد که به روایت تاریخی شباهت پیدا کرد.)) [۱۶]

مالکام برابری معتقد است: ((برای تشریح و توضیح پدیده ای به نام رمان تا حدودی به تحلیل های تاریخی، اجتماعی و ادبی نیازمندیم. قالب رمان مقارن با نوع جدید شناخت و درک بشر از زندگی است و ما معمولاً پیدایش آن را با ظهور و اوج گیری "تجربه گرایی علمی" و نیز تفوق و تسلط اجتماعی طبقه بورژوازی مرتبط می دانیم. همچنین، ظهور رمان مقارن با پیروزی تاریخی نثر



مکتوب به عنوان وسیله ای برای تحلیل تجربی، شرح وقایع و بحث و بررسیهای استدلالی است.)) [۱۷]

### ترجمه رمان در ایران:

از آغاز قرن نوزدهم صنعت چاپ به فعالیتهای آموزشی و تربیتی راه می یابد و ترجمه آثار خارجی موجب درک و جذب فرهنگ غربی می گردد، اما این پدیده فرهنگی در ایران روندی کند و بی قاعده دارد. ((در زمان رضاخان ترجمه رمانهای عاشقانه و اجتماعی شدت می یابد و سرگردانی مترجمان در برابر این دوگانگی، بیانگر درماندگی آنها در برابر یک شکل ادبی متنوع و متحرک است. رمان به اندازه ای خوانندگان ایرانی را مجذوب خود می سازد که رمان مترادف تجددگرایی و غرب گرایی به کار می رود. پیدایش این نوع جدید ادبی، یعنی رمان، در افق ادبی قرن بیستم، به کندی و به گونه ای تقریباً ناپیوسته صورت می پذیرد اما به تدریج رمان جای خود را در نهاد ادبی ایران باز می کند.)) [۱۸]

نویسندگان ایرانی تا مدتها به قصه کوتاه توجه داشتند، از این رو رمان سرگذشت خود را در رمانهای عوام پسند تاریخی طی کرده است که به تقلید از ترجمه های غرب نوشته می شد. در هر صورت اولین ترجمه های آثار رمانی در قرن نوزدهم انجام می گیرد. در کتاب "تاریخ بیداری ایرانیان" نیز سطوری هست که نشان می دهد رواج ترجمه های خارجی در زمان قاجاریه بوده است: ((ظاهر شدن کتابهای رمان و ترجمه کتب خارجه از قبیل سه تفنگدار و کنت مونت کریستو و غیرها و از توقیف درآمد آنها نیز در زمان همین شاهنشاه (مظفرالدین شاه) بود.)) [۱۹] این ترجمه ها به انواع ادبی کاملاً متفاوت اشتیاق نشان می دهد و انواع رمانهای تاریخی، علمی، پیکارسک، تربیتی، فلسفی، احساساتی و غیره در میان آنها دیده می شود. ((به هر تقدیر ترجمه و اقتباس از ادبیات اروپایی هم که غیر از بعضی رجال حکومت، برخی جراید فارسی زبان داخل و خارج ایران نیز بدان علاقه نشان دادند، اکثر از طریق زبان فرانسوی انجام شد که در اواخر عهد ناصری تعداد بالنسبه زیادی از دانشوران و روشنفکران ایران با آن آشنایی پیدا کرده بودند اما به آن زبان هم منحصر نبود چنانکه از زبانهای دیگر از جمله ترکی عثمانی، عربی، انگلیسی و حتی روسی نیز گاه نوشته های، به زبان فارسی نقل گردید.)) [۲۰] در سالهای مشروطه نوعی رابطه میان رویدادهای تاریخی و ترجمه ها ایجاد می شود و انواع رایج ترجمه ها بیشتر تاریخی و اجتماعی است:

### الف) رمانهای تاریخی:

گرچه نوشتن رمانهای تاریخی در زبان فارسی در انعکاس از ترجمه های غربی آغاز شد، ولی این شکل در ایران بی سابقه نبود. از طرفی افسانه های عامیانه تاریخی مانند ابومسلم نامه و رموز حمزه وجود داشت و از سویی بخشهایی از تاریخ گذشته مانند تاریخ بیهقی و دره نادری به شکل حکایت نقل می شد. ((رمانهای تاریخی را باید نتیجه مستقیم کوششهای فرهنگی دارالفنون و کسان وابسته به آن دانست. ظاهراً غرض نویسندگان این قبیل رمانها دادن اطلاعات تاریخی در ضمن داستانهای زیبا و جالب ادبی بود. این اصول از دیرباز در ادبیات ایران سابقه داشته، جز اینکه متقدمین از آن تنها برای مقاصد اخلاقی و عرفانی استفاده می کردند.)) [۲۱] در عصر مشروطه کار مترجمانی از قبیل محمدطاهر میرزا یا محمدحسین فروغی بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد. ترجمه رمانها تاریخی نخستین رمانها را در زبان فارسی پدید آورد. رمان "شمس و طغرا" از محمد باقر میرزا خسروی (۱۳۲۸ ه. ق) و رمان "عشق و سلطنت" از شیخ موسی نثری (۱۳۳۴ ه. ق) از نمونه های قدیم چنین تقلیدی است. زین العابدین مؤتمن مشهورترین رمان تاریخی را در ابتدای قرن کنونی نوشت. داستان ده جلدی "آشیانه عقاب" به وقایع دوران ملکشاه سلجوقی و نهضت اسماعیلیه برمی گردد. ((متأسفانه این گونه رمانهای تاریخی از سرحد بلوغ و پختگی خیلی دور بودند و بدون استثناء معایب و نقایص فنی و اشتباهات فراوان تاریخی داشتند. به این جهت نمی توان آنها را یک اثر هنری و ادبی کامل فارسی به شمار آورد ولی تکرار می کنیم که انتشار آنها یک حادثه مهم ادبی و مقدمه و پیشاهنگ ظهور پدیده تازه ای در ادبیات متشور ایران بود.)) [۲۲]

یکی دیگر از ترجمه های فارسی که خود به تنهایی اثری هنری به شمار می آید ترجمه کتاب "حاجی بابای اصفهانی" نوشته جیمز موریه به وسیله میرزا حبیب اصفهانی است که نثر آن ترکیبی از نثر دوران قاجاری و شیوه داستان نویسی خارجی است که این شیوه بر آثار نویسندگان بزرگی مانند علی اکبر دهخدا و محمدعلی جمالزاده تأثیر بسیاری گذاشته است. شاید بتوان مهمترین عوامل رویکرد نویسندگان عصر مشروطه به نوشتن رمانهای تاریخی را در این دو انگیزه خلاصه کرد:

((۱- باستانگرایی و روحیه کاوشگرانه در شناخت هویت گذشته؛ این "باستانگرایی" خود ریشه در میهن دوستی به مفهوم جدید آن داشته است که امروزه از آن به "ملی گرایی" تعبیر می شود.

۲- بی خطر بودن ماهیت رمان تاریخی؛ چرا که درونمایه تمجیدی و تعظیم و ستایش پادشاهانی چون کوروش، داریوش، انوشیروان و نادرشاه که در این دوره از آنان به منجی تعبیر می شد، رمان تاریخی را در نظر حکومت وقت، به ویژه در دوره سلطنت رضاشاه، بیمه می کرد. از این رو اهتمام به نگارش رمان تاریخی و رمان اجتماعی "سطحی"، در قیاس با کار خطرآفرین روزنامه نویسی یا

نوشتن رمان سیاسی، توأم با امنیت تلقی می شد.)) [۲۳]

## ب) رمانهای اجتماعی:

از "تهران مخوف" تا "سووشون" رمان اجتماعی ایران مسیری تکاملی را طی کرده است. (نخستین رمانهای اجتماعی فارسی، چون کودکی که چشم به جهان گشاید سرشار از شگفتی در مقابل بدیهیات است: مثلاً تشریح وضع ناعادلانه زنان ایرانی که بر اثر فقر و جهل، اساس غلط خانواده و یا نقص قوانین، به فحشا می افتند. سهم اعظمی از موضوعات نخستین رمانها را به خود اختصاص داده است.) [۲۴] در سالهای اخیر رمان اجتماعی موضوعات متنوعی یافته است اما در بیشتر آنها نویسندگان همچنان در طبقات متوسط شهرنشین و طبقات کارمند مانده اند. ((مطالعه رمانهای اروپایی میل به تقلید از آنها را در نویسندگان ایران پدید آورد. مقاصد ملی، این دسته از رمانها را مانند فکاهیات و طنزهای سیاسی به خدمت بیان دردها و گرفتاریهای جامعه گماشت. در حقیقت رمانهای اجتماعی بورژوازی جوان ایرن، وسیله دیگری در راه مبارزه با اشراف و زندگانی اشرافی و آلام و مصائب ملی گردید.)) [۲۵]

در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۵ داستان نویسی صراحت و روشنی عصر مشروطه را از دست می دهد. نویسندگان از سویی در بند افسانه پردازی به شیوه قدیم و از سویی زیر نفوذ ترجمه های تاریخی و رمانتیک خارجی هستند. ترجمه قصه های کارآگاهی و پلیسی نیز از تازه های این روزگار است. ((برای یافتن سرچشمه های شیوه رایج باید به ترجمه های رمانتیک ادبیات خارجی و بخصوص فرانسه در این سالها توجه کرد. این آثار عادتاً از میان آن دسته کارهای رومانیک انتخاب شده که در آنها خصلت شورشی رومانیک کمتر و جنبه مفرط احساساتیش بیشتر باشد.)) [۲۶] ترجمه های از الکساندر دوما، گوته، لامارتین و شاتوبریان که نسخه های ایرانی: فرنگیس (سعید نفیسی) تهران مخوف (مشفق کاظمی) پریچهر (محمد حجازی) و غیره شبیه به آنها است. اما مؤثرترین این ترجمه ها، ترجمه بینویان اثر معروف ویکتور هوگو توسط حسینقلی مستعان در فاصله سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ است. ((داستان گونه هایی بعد از انقلاب مشروطیت منتشر شده است که هر کدام در جای خویش ارزشهای خاص خود را دارند، اما "یکی بود یکی نبود" با وجود پیوند انکارناپذیر آن با ادب گذشته فارسی از ادبیات داستانی "فرنگ" نیز بهره کافی برده است و در مجموع در چارچوب داستان امروز ارزیابی می شود و در این قلمرو پیشتاز است.)) [۲۷] جمالزاده فعالیتهای ادبی خود را در قالب قصه های کوتاه ادامه می دهد اما رمانهای رانیز منتشر می کند ((نوولهای وی قسمت اعظم حیات ادبی او را به خود اختصاص داد. این نوولها عبارت بودند از دارالمجانین در سال ۱۳۲۰ ش و همپای آن قصه قصه ها و سپس یک نوول خیالی که با طنز و ابتکار آمیخته بود تحت عنوان صحرای محشر. اما یکی از بهترین نوولهای جمالزاده قلتشن دیوان است که تهران را در دو دهه اول قرن

بیستم با مهارت نقاشی می کند.)) [۲۸] در فاصله سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۴۰ در قلمرو داستان نویسی نویسندگان زبده ظهور کردند. صادق هدایت در داستان ایران یک استثنا بود هم به جهت آثاری که خلق کرده و هم به جهت گستره ای که در ادبیات داستانی با حضور خود ایجاد کرده است. بوف کور با آن شیوه شگفت و بدیع خود ذهن نویسندگان را برای خلق رمان آماده کرد و امروز هم پس از هفتاد سال همچنان در ابتدای صف رمان ایرانی در بازارهای جهانی جای دارد. ((هدایت پس از سلطنت رضاشاه نوول اجتماعی رانیز با نوشتن "حاجی آقا" تجربه کرد.)) [۲۹] برخی مانند بزرگ علوی نیز با این که راه و روش متفاوتی داشتند نوآوری در ادبیات داستانی را پی گرفتند. در دهه ۱۳۲۰ نویسندگانی دست به قلم بردند که علاوه بر ادبیات مشغله سیاسی نیز داشتند. ((بار دیگر اوج گیری فعالیت‌های اجتماعی در سالهای ۱۳۲۰ به بعد و پیدایش جنبش ملی، تکانی به حوزه علم و ادب ما داد. شاملو، اخوان، نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، چوبک، آل احمد، توللی و ابراهیم گلستان و... محصول این دوره اند. کار ترجمه نیز رونق می گیرد و مترجمان هنرمندی مانند محمد قاضی، ابراهیم یونسی، حمید عنایت، کریم کشاورز، نجف دریابندری، سلطان زاده پسیان، کریم امامی، ابوالحسن نجفی و دکتر رحیمی به روی صحنه می آیند و ما را با آثار گرانمایه غرب آشنا می کنند.)) [۳۰] در دهه ۱۳۳۰ جمال میر صادقی، غلامحسین ساعدی، احمد محمود و بهرام صادقی پا به عرصه نویسندگی گذاشتند اما در دهه ۱۳۴۰ این نویسندگان به بلوغ هنری رسیدند. این دوره یکی از دوره های برجسته تاریخ ادبیات معاصر ماست. درخشش زنان نویسنده هم در این دوران است. سیمین دانشور و کمی بعد غزاله علیزاده و شهرنوش پارسی پور در عرصه نویسندگی ظهور کردند. ((وجه مشترک آثار زنان شخصیت راوی قصه هاست. قصه ها عادات از ضمیر زنی نقل می شود و این زن عادات ساکت است و صبور و منفعل که تظلم خاموش و بی صدای او خود بازتابی از حقیقت وضعیت زن ایرانی است. اما پرداخت قصه ها به طرز دلپذیری موشکافانه و جزئی نگر است و ساختمان آن با وسواس پیروزمندانه ای تدارک یافته است.)) [۳۱] هوشنگ گلشیری، محمود دولت آبادی هم کار خود را در همین زمان شروع کردند که فعالیت عمده آنها در زمینه رمان بود در دهه ۱۳۵۰ هوشنگ گلشیری و احمد محمود بهترین آثار خود را منتشر کردند. ((زمین سوخته در میان ادبیات داستانی معاصر جایگاه ویژه ای دارد، زیرا اولین رمان در مورد جنگ به شمار می رود که در خلال جنگ آن هم در مدت نسبتاً کوتاه به جامعه عرضه شده است.)) [۳۲] دولت آبادی نیز نوشتن کلیدرو جای خالی سلوچ را در همین زمان آغاز کرد. ((در دوران پس از انقلاب نسل تازه ای آغاز به کار کرد که تجربه انقلاب و جنگ را با خود داشت. آنها با این دو واقعه که در زندگی معاصر کم نظیر و حتی شاید بی نظیر بود به واقعیت بومی چسبیدند و آثاری جدید وجود آوردند که از آنان می توان به محمد محمد علی، منیر روانی پور و رضا براهنی و تقی مدرسی اشاره کرد.)) [۳۳]